

# مردی که نباید شناخت!

فاضل غیبی

جماعتی چند صد هزار نفری در ایران هستند که همواره دشمنی آخوندها را برمی‌انگیخته‌اند، درحالی‌که اصلاً اهل "مبارزه" نیستند، تا چه رسد که بخواهند با آخوند جماعت دربیفتند! و این چیستانی است که چرا حکومتگران اسلامی این "فرقه" را با وجود "سربراهی" و "بی‌آزاری" چنان تار و مارشان کردند که در ایران امروز به‌سختی بتوان سراغی از آنان گرفت!

هرچند آنان پیرو مردی هستند که همه رهبران مذهبی درباره‌اش هشدار داده‌اند و اصلاً در جامعه ایرانی شناخته نشد تا به کوششی برای به فراموشی سپردن او نیاز باشد. خوشبختانه پس از بیش از یک قرن که از زندگی او می‌گذرد، زبان و انشایش را نیز دیگر به راحتی نمی‌توان خواند و فهمید. از دید امروز باید گفت، چه خوب! زیرا آنچه نوشته به کلی دور از ذهن و مخالف ارزش‌های جامعه ماست. مثلاً برای "امت مسلمان" نه تنها احترامی قائل نیست که می‌نویسد:

"در قول فخر عالم‌اند و در عمل ننگ امم." (۳)

"مانند سراب اوهام در موج‌اند و گمان اوج دارند" (۴) ..

او "توده شیعیان" را "بنده اوهام" می‌نامد، اما علت خفت و ننگ‌شان را نه مذهب‌زدگی ذاتی، بلکه دنباله‌روی از "عمامه به‌سران" می‌داند:

"عمامه و رداء سبب هلاکت قوم شد. عباد بیچاره از آن انفس غافله پذیرفتند آنچه را که سبب گمراهی شد." (۵)  
به نظر او دنباله‌روی از عمامه به‌سران است که سبب گمراهی توده شده است، زیرا که ملایان وارونه‌کارند:

"علما و فقهای عصر، بر مسند علم و فضل نشسته‌اند و جهل را علم نام گذاشته‌اند و ظلم را عدل نامیده‌اند." (۶)  
چه ادعایی! چگونه ممکن است که "علما و فقهای عصر" در روز روشن جای "جهل" را با "علم" و جای "ظلم" را با "عدل" عوض کنند و نه تنها مردم عادی که تحصیل کرده‌های ما نیز آن را بپذیرند؟

مرد ناشناس در لابلای نوشته‌هایش ادعاهایی دور از ذهن نیز در تأیید وارونه‌کاری آخوندها آورده است. سه نمونه آن چنین‌اند:

(۱) اینکه استعمار و دخالت اجنبی باعث عقب ماندگی ایران شده توهمی بیش نیست! بلکه مذهب‌زدگی و خرافات‌پرستی ما ایرانیان باعث شد نتوانیم بر عقب ماندگی خود غلبه کنیم و تقصیر آنها به گردن ملایان بود که در سده‌های گذشته همه مظاهر تمدن جدید را تکفیر و تحریم کردند.

۲) اینکه دوران باستان ایران "دوران ستم شاهی" بود، توهمی است که آخوندها بدان برای توجیه تسلط اسلام بر ایران دامن زدند. وگرنه ایران از گذشته‌ای درخشان و "آیینی نازنین" برخوردار بود!

۳) برقراری عدل در جهان از راه مبارزه با ارباب زر و زور (به زبان امروزی: امپریالیسم) توهمی بیش نیست! آینده‌ای امن، مرفه و پرسعادت برای ایران تنها از طریق دوستی با دیگر کشورهای جهان، به‌ویژه غربی ممکن است.

حال اگر بپرسیم، چرا آخوند به "توهم" دامن می‌زند، مرد ناشناس جواب می‌دهد: برای حفظ قدرت و عشق به ریاست:

"گل‌پاره‌های عالم محض حب ریاست عمل نموده اند آنچه را که سبب و علت گمراهی عباد گشته." او "رهبران مبارزات حق طلبانه مردم ایران" را "گل‌پاره" می‌نامد! و بی‌احترامی به "آقایان" را بدانجا می‌رساند که می‌نویسد:

"اگر فضل انسان به عمامه می‌بود، باید آن شتری که معادل (هزار) عمامه بر او حمل می‌شود از اعلم ناس محسوب شود و حال آنکه مشاهده می‌نمایی که حیوان است و گیاه می‌طلبد." (۷)

فراتر از آن "اعتقادات قلبی" میلیون‌ها مردم شیعه را که امروزه حتی مورد احترام کمونیست‌های سابق است، یک‌سره خرافات و "موهومات" می‌نامد:

"هزار سال... جمیع فرق اثنی عشریه نفس موهومی را که اصلاً موجود نبوده، (با) عیال و اطفال موهومه در مدائن موهومه محل معین نمودند و ساجد او بودند و اگر نفسی انکار او می نمود فتوای قتل می دادند." (۸)

جالب است که او اعتقاد به "امام زمان" را مربوط به گذشته می‌داند! زیرا "علم غیب" نمی‌دانست و تصور نمی‌کرد که "حضرت مهدی" یک قرن بعد به اجازه حکومت اسلامی از سامره به جمکران منتقل خواهد شد! او در نهایت "روحانیت" را به فریبکاری متهم می‌کند و مذهب اکثر ایرانیان را در پیروی از آنان "بی‌حاصل" و "ظلمانی" می‌نامد:

"سال‌ها به اسم جابلقا و جابلسا و ناحیه مقدسه، (مردم) را فریب دادند و گمراه نمودند. حال تفکر ننموده و نمی‌نمایند که حاصل فرقه شیعه چه بوده و هست." (۹)

و مردم را به ترک آن دعوت می‌کند:

"بگو ای مردم،... از ظلمت حزب شیعه خود را خارج نمایید" (۱۰)

حال پرسیدنی است، آیا ضروری نیست از شناخت چنین فردی صرف‌نظر کنیم و از آشنایی با آثار و افکارش بپرهیزیم؟

هرچند با همین مشت نمونه خروار، دست کم چیستان یاد شده گشوده می شود و می توان دانست که دشمنی آخوندها با "فرقه ضاله" از کجا ناشی شده است.

نوشته‌جات ملایان در دوران پهلوی نشان می‌دهد که آنان به چه حد از اینکه در دوران قاجار نتوانسته بودند "فرقه ضاله" را ریشه‌کن کنند خون دل می‌خوردند، تا آنکه کمکی غیرمترقبه رسید و فیلسوف بزرگ، احسان طبری، در دهه ۴۰ کشف کرد که این جماعت نه تنها از نظر فکری و اعتقادی منحرف هستند، بلکه با "محافل امپریالیستی" نیز در رابطه‌اند! (۱۱)

از آن پس مبارزه با آنان در چهارچوب مبارزه انقلابی قرار گرفت و توده انقلابی، چه مذهبی و چه چپ‌گرا، ضرورت نابودی آنان را درک کردند و همه "روحانیون مبارز" به پیشوایی شخص رهبر انقلاب بر "نجس" بودنشان فتوا دادند (۱۲)

بهمن ۱۳۹۵

---

(۳) تا (۱۰) دلارام مشهوری، رگ تاک، ج ۲، خاوران، ۱۶۹-۱۷۰

(۱۱) احسان طبری، جامعه ایران در دوران رضا شاه، فردوس، ص ۷۸

(۱۲) آیت‌الله خامنه‌ای: "جمیع افراد فرقه ضاله بهائی محکوم به کفر و نجاست هستند و .. بر مؤمنین واجب است که با حيله و فسادگری این فرقه گمراه مقابله کنند." فتوای شماره ۱۴۳۵۹۵